

بررسی و ضرورت سیاست‌گذاری تأمین اجتماعی در اسناد بالادستی و مطالبات

رهبری

کارگروه تدوین سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی

مقدمه

مقولاتی نظیر عدالت اجتماعی، حمایت از اقشار ضعیف جامعه، رسیدگی به محرومان و مستضعفان، لزوم کاهش فاصله طبقاتی، پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، رفع فقر، محرومیت و تبعیض‌های ناروا از مفاهیم متواتر و پربسامد در بیانات رهبری است. عدالت به طور اعم و عدالت اجتماعی به طور اخص، یکی از آرمان‌های مهم انقلاب، امام(ره) و مردم است که مستمر و مکرر مورد تأکید مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) بوده و هست. در گام اول انقلاب، مجموعه عناصر و اجزای نظام در این زمینه تلاش نموده‌اند و اگرچه در مقایسه با گذشته، پیشرفت‌های زیادی در زمینه بسط و تعمیق عدالت اجتماعی حاصل آمده است، لیکن تا رسیدن به مطلوبات فاصله وجود دارد و نیازمند حرکتی انقلابی است.

«ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیرانقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد؛ که در درجه‌ی اول، مسئله معیشت طبقات فقیر است، ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم و اختلاف و شکاف طبقاتی هست. البته این را هم بگوییم، در همین زمینه‌ای که ما عقب‌ماندگی داریم، در مقایسه با قبل انقلاب به مراتب جلو هستیم. اینکه کسی خیال کند که وضع قبل از انقلاب مثل وضع امروز بود، اصلاً این جور نیست. آن روزها خب بنده در میدان کار بودم و با طبقات مختلف، طبقات فقیر، در مشهود و

در آنجایی که بودیم [ارتباط داشتیم]؛ و از جاهای دیگر هم ما بی‌اطلاع نبودیم؛ وضع بسیار با امروز متفاوت بود و بسیار بد بود؛ امروز از آن جهت هم ما پیشرفت کرده‌ایم منتها این [جایی] که ما امروز هستیم باب شان انقلاب نیست؛ ما بایستی خیلی بیش از این حرکت می‌کردیم. شکاف طبقاتی بایستی از بین برود و عدالت اقتصادی به معنای واقعی کلمه بایستی مستقر بشود در کشور؛ این وظیفه ما است، این کار ما است، بایستی انجامش بدهیم.

آنجایی که حرکت به سمت کمک به مردم ضعیف باشد، ایجاد عدالت و استقرار عدالت باشد، مردم طرف‌داری و حمایت نشان می‌دهند؛ این خیلی مهم است و نشان‌دهنده گرایش مردم است؛ همین را باید تقویت کرد». (بیانات، ۲۹ بهمن ۱۳۹۹)

در ادامه به برخی از این مقولات در کلام رهبری می‌پردازیم:

ارزش‌های اسلامی

«یک بخش دیگر از این حقایق، منظومه ارزشی اسلام است، ارزش‌هایی که اسلام آنها را تثبیت کرده است، یعنی به‌عنوان ارزش آنها را شناخته است؛ که آحاد مردم و جوامع مردمی موظفند خودشان را به این ارزش‌ها نزدیک کنند [و به سمت آنها] پیش ببرند؛ سعادتشان در این است. از مثل خلیقات فردی که انسان دارای صبر باشد، دارای حلم باشد، دارای گذشت باشد و امثال اینها که صفات فردی انسان‌ها است، تا مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز مثل آزادی، مثل عدالت اجتماعی، مثل کرامت انسانی، مثل سبک زندگی؛ اینها جزو آن سلسله ارزش‌های اسلامی است که در اسلام بیان شده و تفهیم شده به ما. یک عده‌ای به خطا تصور می‌کنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند اینها از غرب به عالم اسلام آمده است، یا متفکرین اسلامی اینها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا

شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ با این تفاوت که غربی‌ها که اینها را مطرح کرده‌اند، هیچ وقت صادقانه به آن عمل نکرده‌اند - نه به آزادی عمل کردند، نه به عدالت اجتماعی عمل کردند - [آنها] گفتند و عمل نکردند؛ [این مفاهیم] در اسلام بود و در زمان پیغمبر عمل شد. این عبارت «أَمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (۷) مال قرآن است دیگر؛ دستور پیغمبر این است که اجرای عدالت بکند؛ این همان عدالت اجتماعی و عدالت همه‌جانبه است؛ یا [می‌فرماید]: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (۸) یعنی اصل بعثت همه انبیا و ارسال رسل و کتب برای این بوده است که قسط - یعنی همین عدل اجتماعی، عدل اقتصادی - در بین مردم برقرار باشد؛ بنابراین اینها مفاهیم قدیمی اسلامی است». (بیانات، اول فروردین ۱۳۹۹)

عدالت

«امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه این کارها سخت‌تر است؛ من به شما عرض بکنم. از حفظ مردم‌سالاری و بقیه کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمی‌گویم هم که ما تا امروز توانستیم به طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه که امروز در جامعه ماست، فاصله زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز شدیدتر شده است.

امروز حرکت به سمت عدالت اجتماعی از سال‌های قبل هم بیشتر است، از دوره‌های قبل هم بیشتر است. یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور است. در نظام‌های غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه

خاصی تکیه می‌شود، بر روی مناطق خاصی از کشور تکیه می‌شود؛ اما در جمهوری اسلامی هرچه پیش می‌آییم - تا امروز که سی و دو سال گذشته - این معنا را قوی‌تر می‌بینیم. روستاها در حوزه مراقبت قرار می‌گیرند، شهرهای دوردست در حوزه مراقبت قرار می‌گیرند. این همه مسکن‌سازی در روستاها، این همه جاده‌سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه‌های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، اینها در سرتاسر کشور توزیع شده است.

همین مسئله سهام عدالت، همین مسکن روستایی، همین هدفمند کردن یارانه‌ها، یک کار بزرگی است. اگر ان‌شاءالله مسئولین کشور بتوانند این را خوب اجرا کنند و عمل کنند، این خیلی مهم است. این یارانه‌ای که دولت برای نیروی برق به همه مردم می‌داد، خب، آن کسی که توی خانه چهلچراغ و لوستر روشن می‌کند و مصرف برق بیشتری می‌کند، آن کجا، آن کسی که یک شعله، دو شعله برق توی خانه دارد، این کجا؟ آن کسی که ثروتمندتر است، بیشتر از این یارانه استفاده می‌کرد؛ این ظلم بود. می‌خواهند جلوی این ظلم را بگیرند. همین طور در قضیه نان، همین طور در قضیه بنزین و غیر اینها. ما ایستادیم. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد». (بیانات، ۱۵ بهمن ۸۹)

«و البسنى زینة المتقين» در این چیزها: اول، «فی بسط العدل»؛ گستردن عدالت. عدالت را در میان جامعه مستقر کنیم؛ عدالت قضایی، عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم، عدالت به معنای تقسیم درست فرصت‌ها میان مردم. تقوایی که از ما انتظار می‌رود، جزو پایه‌ها و مبانی این تقواست. (بیانات، ۱۶ مرداد ۹۰)

«رونق اقتصاد کشور، پیشرفت اقتصاد کشور، هدف اصلی‌اش چیست؟... هدف این است که ما بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه تأمین کنیم، فقر را ریشه‌کن کنیم، تا ثروتمند شدن کشور به نفع رفع فقر و ریشه‌کنی فقر باشد؛ و الا الان ثروتمندترین کشور دنیا امریکا است؛ آنجا چند میلیون انسان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، عده زیادی در

گوشه خیابان‌ها از گرسنگی یا از سرما یا از گرما می‌میرند؛ ما این را نمی‌خواهیم. صرف اینکه یک کشور ثروتمند باشد، این، آن چیزی نیست که موردنظر اسلام و مطلوب اسلام [باشد]؛ باید این ثروت در خدمت ریشه‌کنی فقر باشد، در خدمت گسترش عدالت باشد؛ با این نگاه و با این رویکرد باید حرکت کرد». (بیانات، ۳۰ مرداد ۹۸)

«نظام برآمده از انقلاب اسلامی، یک سیاست‌های اصولی‌ای برای خود ترسیم کرد. انقلاب اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی را پیشنهاد کرد و تحقق بخشید و پیاده کرد؛ یک اصولی هم برای این نظام بر مبنای انقلاب به وجود آمد.

عدالت، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم. در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد، آن‌چنان که شایسته و بایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید به جد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است. البته راهش مبارزه با ظلم و مبارزه با فساد است». (بیانات، ۱۹ بهمن ۹۶)

«الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه اسلامی اینها است». (بیانات، ۱۱ مرداد ۹۵)

«امام بزرگوار ما مسیر را عوض کرد و یک تغییر بزرگ انجام گرفت؛ [امام] مسیر ملت ایران را تغییر داد، ریل را عوض کرد؛ ما را به سمت هدف‌های بزرگ حرکت داد. این هدف‌ها که انقلاب و امام انقلاب، ما را به سمت این هدف‌ها حرکت دادند و جامعه ایرانی را به این سمت رهنمون شدند، فوق‌العاده حائز اهمیت است. این هدف‌ها خلاصه می‌شود

در حاکمیت دین خدا. حاکمیت دین خدا به معنی عدالت اجتماعی به معنای واقعی است، به معنای ریشه‌کنی فقر است، به معنای ریشه‌کنی جهل است، به معنای ریشه‌کنی استضعاف است؛ حاکمیت دین خدا به معنای برقراری منظومه ارزش‌های اسلامی است.» (بیانات، ۱۴ خرداد ۹۵)

«هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای اینکه اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید. (بیانات، ۶ خرداد ۹۵)

«اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت، عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.» (بیانات، ۱ فروردین ۹۳)

«به این هدف‌ها و به آن نقطه اوج و والا چشم بدوزید. اسلام، عزت ملی، استقلال، عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله‌ها بین طبقات جامعه؛ امروز ما به اینها خیلی نیاز

داریم. یک قانون شما می‌تواند شکاف بین فقیر و غنی را عمیق‌تر کند؛ می‌تواند هم مقداری این را جمع کند. باید دنبال این باشید که این فاصله را کم و این شکاف را پر کنید». (بیانات، ۲۷ خرداد ۸۳)

«آخرین نکته‌ای که به‌عنوان شاخصه مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مسئله عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه‌های حکومت - در قانون‌گذاری، در اجراء، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، موردنظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسئولیت ماست. همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند». (بیانات، ۱۴ خرداد ۸۳)

«البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و به تدریج امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند». (بیانات، ۱۵ آذر ۸۱)

«نصیحت دوم من، مسئله عدالت‌پروری است. ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تریبون‌ها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هر جا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌ماند. اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته این که چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر موثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت موثرند. مثلاً اگر می‌خواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه اول باید ببینیم تاثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم». (بیانات، ۵ شهریور ۸۰)

«در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند؛ اینها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ما است که بعد به اقتصاد مقاومتی اشاره خواهیم کرد؛ همین مسئله عدالت و تأمین حداقل‌ها در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دیده شده». (بیانات، ۴ شهریور ۹۰)

اقتصاد مقاومتی

«من یک فهرست اجمالی از مولفه‌ها و ویژگی‌های الگوی اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کنم. من در سه بخش، عرایضم را تقسیم کرده‌ام: یکی فهرست این مولفه‌ها است؛ بعد چند نکته برای اینکه ما چرا اقتصاد مقاومتی را امروز یک ضرورت می‌دانیم و دنبال

می‌کنیم و در بخش سوم هم الزاماتی که بایستی به آنها پابند باشیم. در این بخش [اول] من ده ویژگی را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض می‌کنم که اینها ویژگی‌های این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع مولفه‌های این مجموعه است. یکی مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاست‌ها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخص‌ها در نظر گرفته شده؛ و از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند. این مولفه اول. (بیانات، ۲۰ اسفند ۹۲)

اقتصاد

«زمینه دیگری که در آن، همت مضاعف را انسان مشاهده می‌کند و به دنبال خود، دریایی از کار به وجود می‌آید، مسئله عرصه‌های اقتصادی است که یک نمونه آن، گام بلند هدفمند کردن یارانه‌هاست. خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه صاحب‌نظران اقتصادی - چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاه‌های اقتصادی با دولت فعلی موافقت، و چه آن کسانی که دیدگاه‌های اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است - متفقند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو

آرزوهایی بود که سال‌های گذشته از دولت‌ها مطالبه می‌شد. ورود در این میدان، کار دشوار و سختی است؛ زمینه‌ها هم آماده نبود. بحمدالله اکنون این کار شروع شده است. همکاری ملت و دولت در این زمینه هم انصافا عالی بود. حرکت مردم در جهت هدفمند کردن یارانه‌ها، حرکت عالی‌ای بود. آثار این کار در آینده به تدریج آشکار می‌شود؛ اگرچه تا امروز هم بعضی از آثار مثبت آن آشکار شده است. اهداف مهم این کار، در درجه اول، توزیع عادلانه یارانه‌هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه‌هایی را بین مردم تقسیم می‌کند. با شکل قبلی، این یارانه‌ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف می‌کردند، بیشتر می‌رسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف می‌کردند، این یارانه‌ها کمتر می‌رسید. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام می‌گیرد؛ یعنی به همه، به نسبت واحدی می‌رسد. این، یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی است». (بیانات، ۱ فروردین ۹۰)

تأمین اجتماعی

«نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که اساسا با تأمین اجتماعی به این صورتی که امروز در دنیا رایج است، موافق است؛ در شمار آن نظام‌هایی نیست که به شکل فلسفی و زیربنایی، با کارهای تامینی در جامعه مخالفند. ما معتقدیم که مسئولان کشور و دولت جمهوری اسلامی، باید به شکل ویژه‌ای، طبقاتی را که نیازمند کمک هستند، مشمول کمک‌رسانی کنند که این، در سازمان تأمین اجتماعی، به صورت بیمه‌های اجتماعی و کارهای تامینی گوناگون انجام می‌گیرد. بنابراین، این کار با اساس و فلسفه نظام اسلامی منطبق است و هرچه تلاش شود، ابتکار عمل به خرج داده شود، پوشش به شکل صحیحی گسترش یابد و نوع کمک‌رسانی‌ها طوری باشد که خانواده‌ها را به تلاش متناسب وادار کند و در جامعه رکود به وجود نیاورد، بلکه حرکت ایجاد نماید، این با اهداف

نظام جمهوری اسلامی منطبق‌تر خواهد بود. دولت هم باید ان‌شاءالله کمک کند تا قشرهایی که در پوشش تأمین اجتماعی هستند، مثل بازنشستگان، هرکدام به نحوی مورد اعتنا و توجه ویژه قرار گیرند. بازنشستگان، نیروی فعاله کشور در اندکی پیش از این هستند که تلاش کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند، بسیاری از آن‌ها شب و روز و عمر و جوانی خود را صرف کار کرده‌اند و باید کشور به این تلاش و به این زحمت‌کشی مستمر دوران عمر پاسخ گوید». (بیانات، ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۶)

همان‌طور که ملاحظه شد، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مستمر در ادوار مختلف و به مناسبت‌های گوناگون به موضوع عدالت اجتماعی از منظر رفع فقر و محرومیت، کاهش فاصله طبقاتی، حمایت از اقشار ضعیف و... و ترجمان آن در قالب مفهوم تأمین اجتماعی (امدادی، حمایتی، بیمه‌ای) پرداخته‌اند.

در فراز پایانی از رهنمودهای معظم له، ایشان بر انطباق نسبی مقولات تأمین اجتماعی از ساحت مدرن آن با آموزه‌های اسلامی و ایرانی مندرج در اصول مختلف قانون اساسی به‌ویژه اصل ۲۹ تصریح ورزیده‌اند ولیکن همان‌طور که از متن ایده اولیه ابلاغی سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی و نیز متن ابلاغی جهت اخذ نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام برمی‌آید، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر طراحی یک مدل بومی شده نظام تأمین اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های تمدنی اسلامی - ایرانی تاکید دارند.